

اهمیت قوه قضائیه

بدون شك، يکي از مهم ترين شئون حکومت اسلامي، همانا برپاداشتن حق و اجراي احکام و حدود الهي است. روشن است که دستيابی به این هدف ارزشمند، جز با وجود دستگاه قضايي مستقل، عدالت محور و مقتدر، میسر نخواهد شد...



بدون شك، يکي از مهم ترين شئون حکومت اسلامي، همانا برپاداشتن حق و اجراي احکام و حدود الهي است. روشن است که دستيابی به این هدف ارزشمند، جز با وجود دستگاه قضايي مستقل، عدالت محور و مقتدر، میسر نخواهد شد. به همین دلیل است که در اسلام، احکام قضايي و اجراي آن از اهمیت ویژه ای برخوردار است؛ زیرا جان، مال، حیثیت و ناموس مردم، همه در گرو اجراي احکام و حدود قضايي قرار دارد و بار سنگین تامین امنیت جان ها، اموال، آبرو و عزت جامعه اسلامي، برعهده آن است.

قوه قضائیه، پناه گاه مردم

قوه قضائیه، ملجا و پناهگاه مردم ستمدیده و ضعیف است. این نهاد مقدس، از چنان اهمیتی برخوردار است که اگر مطابق موازین اسلامي رفتار کند، می تواند گره گشای بسیاری از مشکلات کشور باشد. بدیهی است که این امر در صورتی تحقق خواهد یافت که مردم خود را از گزند هر گونه تجاوز، و آسیب هر نوع تعدی در امان ببینند و احساس آرامش و امنیت کنند. سودمندی های اجراي احکام جزايي اسلام

بی گمان، همان طور که گاه پزشک برای نجات جان يك انسان، جز قطع کردن عضو یا اعضای فاسد و غیرقابل ترمیم بدن وی چاره ای ندارد و این کار وی، عین رحمت و شفقت بر بیمار محسوب می شود، اجراي حدود، قصاص، تعزیرات، دیات که گاه با از میان برداشتن مفسدان و تبهکاران غیرقابل اصلاح از صحنه اجتماع همراه است، هم برای تربیت و اصلاح خود منحرفان سودمند و ضروری است و هم برای اصلاح پیکره جامعه لازم است؛ زیرا از این رهگذر، ریشه بیدادگری ها، دزدی ها و بی عفتی های خانمان سوز از کشور کنده

می شود و صحنه جامعه اسلامي، از لوث عناصر پلید و منحرف پاک سازی و تطهیر می گردد.

قوه قضائیه و تربیت الهي انسان

از آن جایی که هدف اصیل حکومت اسلامي، همانا تربیت الهي انسان و جامعه بشری است نظام قضايي اسلام، درصدد است تا از رهگذر اجراي حدود الهي، نقش تربیتی خویش را ایفا نماید. بر همین اساس است که حضرت امام خمینی (ره)، بینانگذار این بنای رفیع و مستحکم، از زندان، به عنوان تربیت گاه یاد می کند و به متصدیان امور زندان ها چنین توصیه می فرماید:

«زندان ها را به يك مدرسه آموزش و تربیت اخلاقی مبدل کنید تا منحرفان و گناهکاران، شیرینی عدالت اسلامي را بچشند و به اسلام و نظام اسلامي روی آورند و بازگشت به اسلام و خدای متعال نمایند که باب رحمت گنهکاران را بهتر جذب می کند، حتی آن کس که مستحق حدود الهي است. باید از عظوفت ماموران تا پای دار و محل مجازات برخوردار باشند.» (صحیفه نور، ج 18، ص 237)

قوه قضائیه در خدمت مردم

قوه قضائیه، همواره در خدمت مردم است و امنیت و آرامش را در جامعه با اجراي دقیق احکام اسلامي تضمین می کند. این نهاد می کوشد به گونه ای عمل کند که مردم آن را در دادخواهی ها و اجراي عدالت و حدود اسلامي پشتیبان خود بدانند. قوه قضائیه با تلاش در راه اجراي عدالت و پیاده کردن احکام اسلامي در جامعه، می کوشد تا در راه اهداف عالی نظام اسلامي ایران گام بردارد.

سفارشات امام علي (ع)

امام علي (ع) اسوه عدالت و جوانمردی است. سفارشات آن حضرت به مالک اشتر درباره امور مربوط به قاضی و قضاوت، راه گشای بسیاری از مشکلات کنونی است. آن حضرت در این باره چنین توصیه می کند:

«سپس از میان مردم، برترین فرد را در نزد خود برای قضاوت برگزین. از کسانی که مراجعه فراوان مردم آنان را در تنگنا قرار ندهد و برخورد مخالفان با یکدیگر، او را به خشم و کج خلقی واندازد. (کسی که) در استباهاتش پافشاری نکند و در صورت روشن شدن حق، بازگشت به حق برایش سخت نباشد. طمع را از دل بیرون کرده باشد و در فهم مطالب به تحقیق اندک اکتفا نکند. با مراجعه مکرر شاکیان کمتر خسته شود و در کشف امور شکیباتر و به هنگام آشکار شدن حق، در خاتمه بخشی به

خصوصیت از همه قاطع تر باشد.» (نهج البلاغه، صبحی صالح، ص 434)

رعایت الگوی علوی در قوه قضائیه

اساس و پایه قضاوت اسلامی، اجرای عدالت و گرفتن حق مظلوم از ظالم است؛ یعنی در نظام قضایی اسلام تقویت ضعیف و سرکوب ظالم از اهمیت خاصی برخوردار است. چنانچه اساس قضاوت علوی را نیز همین امر تشکیل می داد. سیره آن حضرت در دوران حکومت عدالت گسترش، اجرای احکام الهی، گرفتن حق مظلوم از ظالم و از بین بردن ستم ستمکاران بود. آن حضرت در این باره می فرمود:

«سوگند به خدا، من دست ستمگر را از سر ستمکش برمی دارم و از روی عدل و انصاف حکم می کنم و با هر موقعیتی که دارد، او را کشان کشان به سوی حق و عدالت می کشانم.» (نهج البلاغه، خطبه، 136)

قوه قضائیه و مبارزه با آفات و منکرات اجتماعی

جامعه ما امروز تشنه قضاوت علوی و اجرای دقیق قانون اسلامی است. فقر، فساد و تبعیض، سه بیماری جانکاه جامعه است که نظام اسلامی و حکومت دینی را تهدید می کند. بنابراین، بی تفاوتی در مورد افزایش فقر و تبعیض اجتماعی، هم زیستی با دیو اعتیاد و فساد اخلاقی، پذیرش رشوه خواری، خودباختگی در برابر فرهنگ و ارزشهای غربی و عدم مقابله همگانی با این آفت خطرناک اجتماعی، تداوم حکومت اسلامی و نظام علوی را با خطر روبرو می سازد.

بنابراین، قوه قضائیه در کنار دیگر نهادها وظیفه دارد که با این آفات و منکرات اجتماعی با جدیت تمام مبارزه نموده، جوانان را از سقوط در دام این بلایا مصون دارد. حضرت امام (ره) در این باره می فرماید: «قوه قضائیه که مسئولیت اجرای حدود و احکام الهی، و در حقیقت بار سنگین تامین امنیت را به عهده دارد، باید جلوی تخریب، و جنایات و اشاعه فحشا و منکرات و دزدی ها و قتل ها و مواد مخدر را بگیرد.» (قضا و قضاوت در اندیشه امام خمینی، ص 19)

قوه قضائیه و سیستم نظارتی

امام علی (ع) تندیس عدالت در عرصه داور و قضاوت در میان مسلمانان است. حتی دشمنان به عدالت وی اعتراف کرده و او را مظهر عدالت خواهی لقب داده اند. (ر.ک: امام علی صدای عدالت) سیستم نظارتی آن حضرت بر قاضیان از اهتمام ویژه ایشان به عدالت و داور صحیح در میان مردم حکایت دارد.

اینک که قوه قضائیه جمهوری اسلامی، ادامه دهنده سیاست گذاری های آن امام همام است، باید همان سیستم را در دستگاه قضایی احیا و تطبیق نماید؛ زیرا تنها در این صورت است که ناامنی و کجروی ها و انحرافات از جامعه رخت برخواهد بست و به جای آن، عدالت و امنیت در ابعاد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، در کشور تضمین خواهد شد.

اهمیت قوه قضائیه در قانون اساسی

قوه قضائیه، در همه کشورهایی که اصل جدایی قوا را پذیرفته اند، از اقتدار خاصی برخوردار است، ولی اسلام علاوه بر اقتدار، ویژگی های معنوی هم برای قضاوت قائل است. بدین سبب، قانون اساسی جمهوری اسلامی نیز اقتدار و معنویت را یک جا برای این قوه منظور داشته است.

قانون اساسی، قوه قضائیه را مسئول تحقق عدالت اجتماعی و پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی دانسته، حضور این قوه را در درون کشور اسلامی به منظور پیش گیری از انحرافات امری حیاتی تلقی کرده است. قانون اساسی افزون بر این که رسیدگی و حکم در مورد شکایت های همگان را در انحصار این قوه قرار داده، وظایف سنگین دیگری برای قوه قضائیه قائل شده است: احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادی های مشروع. نظارت بر حسن اجرای قوانین و پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرم، بخشی از وظایف قوه قضائیه شناخته شده، و اصل 156 به آن تصریح کرده است. (جلال الدین فارسی، فرهنگ واژه های انقلاب، ص 635)

اهمیت قوه قضائیه در نگاه امام خمینی (ره)

حضرت امام خمینی (ره) دستگاه قضایی را بسیار با اهمیت تلقی کرده، حیثیت کشور و مردم را در گرو آن دانسته اند. ایشان در این باره می فرماید:

«در دست قوه قضائیه همه چیز است، جان مردم است، مال مردم است. نوامیس مردم است، همه در تحت سیطره قوه قضائیه است و قاضی اگر چنانچه خدای نخواستہ نالایق باشد، ناصحیح باشد، این در اعراض و نفوس مردم سلطه پیدا بکند، معلوم است که چه خواهد شد.»

(کلمات قصار امام خمینی، ص 137)

نظارت بر حسن اجرای قوانین

یکی از وظایف قوه قضائیه، نظارت بر حسن اجرای قوانین است، (فرهنگ واژه های انقلابی، ص 642) قانون اساسی، نظارت بر حسن اجرای قوانین را به قوه قضائیه واگذار کرده تا رئیس این قوه، از طریق تشکیلات لازم و با تهیه لوایح متناسب، انجام این وظیفه پر مسئولیت را سر و سامان ببخشد. او می تواند از ابزار مهمی که قانون اساسی برای نظارت بر حسن اجرای قوانین در اختیارش گذاشته، کاملاً استفاده کند و ناهنجاری ها را به خوبی شناسایی و معالجه نماید.

وظایف قوه قضائیه :

1- رسیدگی بر صدور حکم در مورد تظلمات، تعدیات، شکایات، که از طریق تشکیلاتی به نام «دادگستری» انجام می گیرد.

2- احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادی مشروع

3- نظارت بر حسن اجرای قوانین که در محاکم بر عهده دیوان عالی کشور و در ادارات بر عهده سازمان بازرسی کل کشور نهاده شده است.

4- اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین

- تشکیلات قوه قضائیه :

1- رئیس قوه قضائیه که انتخاب آن از اختیارات مقام معظم رهبری است که برای مدت پنج سال با شرایط زیر انتخاب می شود:

مجتهد عادل - آگاه به امور قضایی - مدیر و مدبر.

2- محاکم و دادرها

3- وزیر دادگستری

4- قضاوت « دادرسان »

5 - دیوان عدالت اداری و سازمان بازرسی کل کشور

.....

معرفی کتاب :

« توجیه و نقد رویه قضایی »

ناصر کاتوزیان/ انتشارات دادگستر/ چاپ اول 1377

- کتاب « توجیه و نقد رویه قضایی » اثر دکتر ناصر کاتوزیان حقوقدان برجسته معاصر که در سال 1377 چاپ اول آن به طبع آراسته شده است، می کوشد تا « رویه قضایی » را که از منظر او « آشکارترین محل جلوه عدالت قانونی است » توجیه و نقد کند. وی با آوردن 40 نمونه از دعاوی مطرح شده در دادگاههای مختلف کشور میزان نقش و تأثیر رویه های مختلف قضایی را نشان داده است. وی توضیح داده است که در هر دادگستری، دادرسان در اجرای حکم تنها به قوانین مکتوب توجه ندارند بلکه در این میان گوش به ندای اخلاق و عدالت دارند و به زمزمه دل و حکم عقل پاسخ می دهند.

- از منظر وی دادرس برای اجرای یک حکم عادلانه نباید تنها به قانون نوشته شده اکتفا کند « چون تجربه و مشاهده نشان می دهد که مجموعه قوانین تنها بخش ناچیزی از واقعیتهای زندگی را در بر می گیرد و درباره آنها حکمی صریح دارد. بخش عمده تر یا قانونی ندارد یا حکم مربوط به آن مجمل و غیر صریح و نارسا است. در همین بخش است که « رویه قضایی » نقشی سازنده دارد، و به عنوان تکمیل کننده و گاه رهبر نظام حقوقی جلوه می کند». لذا با استفاده از منابع دیگر صدور حکم، همچون دل و عقل « به انتخاب و گاه ابداع قانون حاکم بر دعوی است می زند » پس « آنچه که به قلم دادگاه جاری می شود، در واقع ترکیبی از اخلاق، عدالت، قانون است که در کارگاه وجدان او به هم آمیخته و انگیزه صدور حکم شده است. در این امتزاج روانی، عوامل گوناگون سیاسی و مذهبی و اخلاقی و تاریخی مؤثر است که نادیده گرفتن آنها و تکیه به قانون، به عنوان تنها منبع حقوق و حکم قابل اجرا در دعوی، به معنی نادیده گرفتن بخشی از واقعیت است» .

- آنچه که کتاب در پی آن است فهم این نکته مهم و اساسی است که ما برای اداره هر کشور تنها به قوانین موضوعه اعتباری توجه نمی کنیم بلکه به یاری مجموعه ای از عوامل مؤثر در زندگی آدمیان از قبیل اخلاق، دل، عقل، اصول کلی حقوقی، و در اداره اجتماع و هدایت آن توجه داریم لذا در حوزه قضاوت نیز باید مفهوم « رویه قضایی » و تأثیر آن در روند حکم را از منابع مهم حقوقی دانست و با نقد و توجه آن وافزودن پاره های دیگر به آن با استفاده از منابع مذکور در رسیدن به حکم عادلانه کوشش کرد.

- در ادامه کتاب مؤلف با آوردن نمونه های گوناگون احکام قضایی پس از توجیه احکام صادره، در پاره ای از موارد به نقد آنان پرداخته است و در این میان نقش و تأثیر رویه های مختلف قضایی را در صدور حکم بیش از پیش برای خوانندگان مشخص نموده است. مطالعه این اثر گامی مهم در فهم حقوق فردی و اجتماعی ماست.